

سنجش و بررسی سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌های کشور طی برنامه چهارم توسعه

محمدعلی فیض‌پور* - استادیار دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه یزد

گلسا صالحی فیروزآبادی - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد تهران مرکز

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۸/۲۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۳/۲۴

چکیده

یکی از دلایلی که برای تبیین مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری و به خصوص در مراحل گذار اقتصادی در کشورهای در حال توسعه ارائه گردیده، دستیابی به شغل و شغل بهتر است. این موضوع بر اساس داده‌های اقتصاد ایران نیز مصداق دارد و با مدل‌های ارائه‌شده برای مهاجرت و به‌ویژه مدل هریس و تودارو، که دلیل عمده مهاجرت از روستا را دستیابی به شغل بهتر و در نتیجه درآمد انتظاری بالاتر در مناطق شهری می‌داند، تطابق دارد. بر این اساس، تفاوت سطح توسعه بازار کار در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری و روند تغییرات آن می‌تواند شاخصی از روند و شدت مهاجرت بین این مناطق را به دست دهد و از این‌رو، شناخت و رتبه‌بندی مناطق روستایی از حیث توسعه بازار کار اهمیت می‌یابد. تعیین و بررسی سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی به تفکیک استان‌های کشور، هدف اصلی مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد. برای تعیین سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی، از چهار شاخص اساسی نرخ بیکاری، سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص، سهم اشتغال در بخش خصوصی و سهم اشتغال در بخش صنعت استفاده گردیده و برای تلفیق آنها از روش‌های تحلیل چندمتغیره تحلیل عاملی و برترین پیشنهاد از راه‌حل ایده‌آل (TOPSIS) در دوره زمانی برنامه چهارم توسعه استفاده شده است. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها در طول برنامه چهارم توسعه تغییر چندانی نیافته و این در حالی است که همان تغییرات اندک در میزان توسعه‌یافتگی مناطق نیز به روش تعیین آن بستگی داشته است. در حالی که مقایسه سطح توسعه مناطق روستایی در سال ابتدایی و انتهایی برنامه توسعه چهارم با روش تحلیل عاملی نشان از گرایش مناطق روستایی استان‌ها به سمت توسعه بیشتر دارد، نتایج حاصل از روش TOPSIS کاهش در سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها را به تصویر می‌کشد.

کلیدواژه‌ها: توسعه بازار کار، مناطق روستایی، شاخص‌های بازار کار، روش تحلیل عاملی، روش تاپسیس.

مقدمه

اگر چه دستیابی به توسعه پایدار از اهداف اصلی بسیاری از کشورهای جهان به شمار می‌آید، اما در دیدگاه نهادگرایی برای رسیدن به این هدف لازم است پیش از هر چیز، نهاد های مختلف کشور توسعه یابد. بازار کار، در این میان از مهم ترین نهادها قلمداد می‌شود و از آنجا که این بازار در نگاهی جامع و با توجه به ویژگی های جغرافیایی هر کشور به دو بخش شهری و روستایی تقسیم می‌شود، برای دستیابی به توسعه پایدار نیز نگاهی منطقه‌ای امری لازم و ضروری به شمار می‌آید. افزون بر آن، با توجه به افزایش پدیده مهاجرت روستا به شهر و با تأکید بر دیدگاه انتخاب عقلایی هریس و تودارو^۱، یکی از دلایل افزایش مهاجرت روستا به شهر را می‌توان جست‌وجو برای کار بهتر دانست. از نظر هریس و تودارو، تصمیم به مهاجرت از روستا به شهر، برآیند عملکرد دو متغیر اصلی دفع و جذب، یعنی تفاوت چشمگیر درآمد در شهر و روستا و احتمال دستیابی به کار در شهر است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۶۰). علاوه بر آن، در اقتصاد کلان، رابطه بین مهاجرت و نوسانات اشتغال اهمیت فراوانی دارد و مهاجرت به مثابه اهرم متعادل‌کننده توسعه اقتصاد ناحیه‌ای در نظر گرفته می‌شود (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸، ۷). اما از دیدگاه خرد، مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه به یکی از عوامل ضد توسعه‌ای تبدیل شده است و می‌تواند مشکلات زیادی را، نظیر حاشیه‌نشینی و در پی آن بروز مسائل اجتماعی، به دنبال بیاورد.

براین اساس، توجه به بازار کار مناطق روستایی و توسعه آن در کشورهای در حال توسعه اهمیت روزافزونی می‌یابد و از این رو این موضوع اصولاً در صدر برنامه‌های توسعه آنها جای گرفته است. با وجود این و همانند دیگر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، توجه به بازار کار مناطق روستایی نیز نمی‌تواند و نباید بدون توجه به اولویت و رتبه‌بندی مناطق صورت گیرد چراکه «نواحی روستایی در ایران ناهمگونی زیادی دارد که متأثر از عوامل گوناگونی است. این تنوع

1 Harris, J. R & Todaro, M. P

گاه ناشی از شرایط طبیعی و گاه ناشی از شرایط انسانی، مانند رواج الگوها و شیوه‌های زندگی شهری است که به نوبه خود بر تنوع و تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی روستاهای کشور تأثیر گذاشته است» (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۲). در برنامه چهارم توسعه (دوره زمانی منتخب این پژوهش) در بخش‌های گوناگون بر توجه به مناطق روستایی از ابعاد گوناگون تأکید شده و به عنوان مثال، در ماده ۷۵ این برنامه بر بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی در راستای آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای تأکید ورزیده است. همچنین در فصل هشتم این برنامه با عنوان «ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی» و در ماده ۹۵ این فصل دولت مکلف شده است تا روش‌های لازم را برای افزایش بهره‌وری و درآمد روستاییان و عشایر و با ایجاد فرصت‌های اشتغال - به‌ویژه در دوره‌های زمانی خارج از فصول کاشت و برداشت - با حمایت از صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی و صندوق اشتغال، شرایط اشتغال نیازمندان را فراهم کند.^۱ بر این اساس، لازم است این مناطق برحسب سطح نیازمندی یا توسعه‌یافتگی بازار کار رتبه‌بندی شوند و لذا یافتن شاخص‌ها و روش طبقه‌بندی سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی اهمیت می‌یابد. از این‌رو، پژوهش حاضر کوشیده است تا با استفاده از شاخص‌های عمده بازار کار، که مرکز آمار ایران آن را منتشر کرده است، و دو روش تحلیل عاملی و برترین پیشنهاد از راه حل ایده آل^۲، توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها را طی سال‌های برنامه چهارم توسعه مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش آن است که: هر استان از نظر سطح توسعه بازار کار مناطق

۱. لازم به یادآوری است که هم‌سو با سازمان بین‌المللی کار (ILO)، که شاخص‌های اصلی بازار کار را در هفت گروه مشارکت در دنیای کار، وضعیت اشتغال، بیکاری، توسعه‌نیافتگی و عدم فعالیت، آموزش، دستمزدها و هزینه‌های نیروی کار، بهره‌وری و درآمد، رفاه و فقر دسته‌بندی کرده و در مفهوم کار شایسته جای داده است، در ایران نیز در ماده ۱۰۱ برنامه چهارم توسعه، دولت موظف گردیده است تا برنامه ملی توسعه کار شایسته را تا پایان سال یکم برنامه تقدیم مجلس شورای اسلامی کند. با وجود این به دلیل در دسترس نبودن داده‌های لازم برای اندازه‌گیری و محاسبه شاخص‌های کار شایسته در سطح کلی کشور و نیز به تفکیک مناطق روستایی و شهری امکان این بررسی میسر نبوده است.

2. TOPSIS

روستایی در هر یک از سال‌های برنامه چهارم توسعه در چه جایگاهی قرار گرفته است؟ با این رویکرد، پس از مقدمه و در قسمت نخست، مبانی نظری و مطالعات انجام‌شده در این زمینه معرفی شده است. معرفی شاخص‌ها و نیز داده‌های مورد استفاده در این پژوهش همراه با معرفی مشکلات آن موضوع بخش دوم است. بخش سوم به شرح روش تحلیل عاملی و برترین پیشنهاد از راه‌حل ایده‌آل اختصاص یافته و پس از آن سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها با روش‌های مذکور محاسبه شده است. بخش پایانی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است.

مناطق روستایی و توسعه بازار کار: مبانی نظری و مروری بر پژوهش‌های مرتبط

در پژوهش‌های اقتصادی، بازارهای مناطق روستایی را می‌توان به بازار کالا (یا خدمات)، بازار پول، بازار سرمایه و بازار کار تقسیم کرد. این درحالی است که در میان بازارهای مذکور، ویژگی‌های بازار کار متفاوت از دیگر بازارهاست و از این رو تحلیل‌های این بازار با پیچیدگی‌های خاصی مواجه می‌شود. از عمده‌ترین این دلایل آن است که تنها در این بازار عرضه و تقاضای نیروی کار مورد بحث قرار می‌گیرد و از این رو، تمامی عواملی که می‌تواند بر تصمیم فرد تأثیرگذار باشد بر عرضه و تقاضای این بازار نیز مؤثر است. برخلاف بازارهای دیگر که قیمت، عمده‌ترین عامل عرضه و تقاضا محسوب می‌شود، در این بازار قیمت (یا دستمزد) تنها تعیین‌کننده عرضه و تقاضای نیروی کار نخواهد بود و عوامل گوناگونی مانند عوامل اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی می‌تواند بر توسعه بازار کار به طور اعم و بازار کار روستایی به صورت اخص تأثیرگذار باشد. سطح توسعه این بازار نیز به‌ویژه در مناطق روستایی، بر سطح رفاه و در نتیجه میزان مهاجرت از این مناطق تأثیر می‌گذارد. با وجود این، تأثیر مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری بر اساس پژوهش‌های موجود توسعه با رویکردهایی متفاوت و گاه متناقض رو به رو بوده است.

اما گذشته از تأثیر این پدیده بر توسعه کشورها، اکنون توافق عمومی در این مورد وجود دارد که مهاجرت از روستا به شهر بیشتر تحت تأثیر عوامل اقتصادی است. از جمله نخستین مطالعاتی که این نظریه را تأیید می‌کند، مطالعات تودارو (۱۹۶۹)، هریس و تودارو (۱۹۷۰) و

استیگلیتز (۱۹۷۴) است. در این مطالعات، مهاجرت شدت یافته از روستا به شهر در کشورهای در حال توسعه با بیکاری رو به رشد شهری توضیح داده می‌شود. در مطالعه هریس و تودارو، فرضیه آغازین مطرح می‌کند که به طور کلی مهاجرت پدیده‌ای اقتصادی است و با وجود بیکاری در روستا، تصمیم به مهاجرت منطقی به نظر می‌رسد. فرض اساسی این مدل آن است که مهاجرت روستا-شهری تا هنگامی ادامه می‌یابد که درآمد واقعی شهری مورد انتظار از درآمد حقیقی در مناطق روستایی بیشتر باشد. نتایج تحلیل اقتصادی جریان مهاجرت از مناطق روستایی کشورهای کمتر توسعه یافته، معمولاً نظریه درآمد مورد انتظار تودارو و هریس را تأیید می‌کند و در اکثر موارد، اختلاف بین دستمزدها یا درآمدهای مناطق، یکی از علل اصلی مهاجرت برشمرده می‌شود (جمعه‌پور، ۱۳۸۶، ۳۳). افزون بر درآمد، از نظر تودارو و هریس تفاوت در نرخ بیکاری و انتظار دستیابی به شغل نیز باعث مهاجرت می‌گردد. از دیگر نظریات مطرح شده در این زمینه نظریه مهاجرت روستا به شهر لوئیس است. لوئیس در نظریه خود با فرض وجود تنها دو بخش صنعت و کشاورزی - که نماینده دو منطقه شهری و روستایی است - بیان می‌دارد تا زمانی که سطح دستمزد روستایی به دلیل وجود نیروی کار بیکار در این بخش پایین‌تر از بخش شهری است، مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر ادامه می‌یابد. این نظریه نیز بر اهمیت وجود اشتغال و شرایط مناسب بازار کار در بخش روستایی در جلوگیری از مهاجرت روستا به شهر تأکید می‌ورزد. از این رو می‌توان مهاجرت را پدیده‌ای ناشی از این دوگانگی قلمداد کرد. همچنین مشاهده می‌شود که بر اساس نظریات موجود، مهاجرت روستا به شهر با مقوله بازار کار روستایی گره خورده است و به نظر می‌رسد که توسعه بازار کار مناطق روستایی می‌تواند از مهاجرت و در نتیجه تأثیر سوء آن بر توسعه کشور بکاهد.

برای سنجش تمایزات سطح توسعه مناطق روستایی و شهری، بررسی‌های گسترده‌ای در سطح جهان و ایران صورت گرفته است. در همین زمینه، برخی مطالعات نیز بازار کار را با در نظر گرفتن پدیده دوگانگی بررسی کرده و بر تقسیم‌بندی این بازار به دو بازار اولیه و ثانویه تأکید کرده‌اند (Bosanquet and Doeringer, 1973; Piore, 1980 and Saint-Paul, 1996). بر اساس مطالعات انجام شده، این تقسیم‌بندی لزوماً به ناحیه جغرافیایی مربوط نمی‌شود و می‌توان

بازار کار را بر اساس شاخص‌هایی همانند سطح دستمزد شاغلان یا مهارت آنان تقسیم کرد. در زمینه بازار کار و عوامل مؤثر بر آن نیز مطالعات متعددی صورت گرفته است که در این زمینه می‌توان به بررسی تأثیر معلولیت بر دستیابی به شغل و نیز تمایزات دستمزد بین مردان معلول و غیرمعلول در بازار کار مناطق روستایی هندوستان اشاره کرد. در این مقاله نشان داده شده است که اگرچه معلولیت تأثیر معنی‌داری بر دسترسی افراد معلول و غیرمعلول در بازار کار مناطق روستایی ندارد، اما دستیابی به شغل بین این دو گروه دارای تمایزات عمده‌ای است و به عبارتی بین این دو گروه تبعیض معنی‌داری وجود دارد (Mitra and Sambamoorthi, 2000).

در یکی دیگر از مطالعات انجام شده در این حوزه تکامل بازار کار روستایی طی دوره اصلاحات چین مدنظر قرار گرفته و در این مقاله نشان داده شده است که اشتغال در بخش غیرکشاورزی به صورت سریع طی اواخر دهه ۱۹۹۰ افزایش یافته و به عبارتی سهم اشتغال روستایی کاهش یافته است. در این مطالعه نشان داده شده که عوامل متعددی بر این انتقال اشتغال تأثیر گذاشته و به عنوان مثال اندازه خانوار سبب گردیده است تا انتقال از اشتغال بدون دستمزد به اشتغال با مزد و حقوق افزایش یابد. با وجود این افزایش سن باعث شده است تا احتمال انتقال اشتغال به بخش غیرکشاورزی کاهش یابد. سه عامل اساسی سرمایه انسانی یعنی سطح تحصیلات، مهارت‌های فنی و تجربه به صورت معنی‌داری بر اشتغال در بخش غیرکشاورزی تأثیرگذار بوده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که به ازای هر سال افزایش سطح تحصیلات احتمال مهاجرت فرد و انتقال به بخش غیرکشاورزی ۱۶ درصد افزایش می‌یابد. این موضوع به صورت معنی‌داری در خصوص صاحبان مهارت‌های فنی و تجربه نیز صادق است. با توجه به اینکه نرخ مشارکت زنان در بازار کار به عنوان عاملی برای توسعه بازار کار قلمداد می‌شود، این مطالعه نشان می‌دهد که طی دهه ۸۰ تا ۹۰ میلادی تمایز نرخ مشارکت زنان با مردان به نصف کاهش یافته است. نکته درخور توجه این است که نتایج مشاهده‌شده در تغییرات بازار کار در مناطق مختلف نیز به صورت نسبتاً یکسانی قابل مشاهده است (Brau and Huang, 2002).

در مطالعه‌ای دیگر که به بررسی توسعه بازار کار مناطق روستایی در چین و تأثیر آن بر

اشتغال زنان پرداخته، با استفاده از داده‌های خانوار، روند تغییرات اشتغال و بررسی نرخ مشارکت زنان در بازار کار مناطق روستایی، تلاش شده است تا تأثیر این نرخ بر تولیدات کشاورزی مناطق روستایی بررسی گردد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که به طور کلی نرخ مشارکت زنان در بازار کار غیرکشاورزی افزایش یافته و نرخ مشارکت زنان در بازار کار مناطق روستایی هم‌اندازه یا حتی بیش از مردان بوده است (Zhang et al., 2004).

رابطه سه‌گانه میان آموزش، عرضه نیروی کار و توسعه بازار در مناطق روستایی پرو نیز در مطالعه‌ای دیگر مورد تحلیل قرار گرفته است. نویسنده مطالعه مذکور - هم‌سو با مطالعات موجود در این زمینه - نشان داده است که افزایش سال‌های تحصیل باعث افزایش میزان درآمد به ازای هر ساعت کار می‌گردد. از نگاه او سیاست‌های حوزه آموزش می‌تواند نقشی اساسی در فقرزدایی مناطق روستایی ایفا کند. با توجه به یافته‌های این مطالعه، برای بازدهی آموزش و تأثیر مثبت آن بر بازار کار مناطق روستایی لازم است بازارهای محلی توسعه یابند و این امر از طریق افزایش راه‌های دستیابی به بازار و نیز سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی دولت مقدور است (Laszlo, 2008).

با تأکید بر ایران در این زمینه، می‌توان به مطالعه اسلامی (۱۳۷۲) اشاره کرد. در این مطالعه از روش تاکسونومی عددی و تحلیل عاملی برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی مناطق روستایی کشور استفاده شده است. این مطالعه بازه زمانی ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ را پوشش داده و نتایج آن اگرچه نشان‌دهنده بهبود سطح توسعه مناطق روستایی کشور است اما دوگانگی منطقه‌ای طی این دوره افزایش یافته است. در مطالعه‌ای دیگر، اشتری (۱۳۷۳) به بررسی سطح توسعه‌یافتگی مناطق روستایی و شهری استان آذربایجان غربی در فاصله زمانی سال‌های ۵۵-۱۳۶۵ پرداخته است. نتایج این مطالعه نیز بر ناهمگونی در سطح توسعه مناطق این استان تأیید می‌کند. مطالعه مذکور نشان می‌دهد که شدت دوگانگی سطح توسعه در این سال‌ها و در بین تمامی نقاط آذربایجان غربی افزایش یافته است. مرسلی (۱۳۷۴) در مطالعه‌ای سطح توسعه روستایی استان زنجان را طی سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ بررسی کرده است. در این مطالعه از روش‌های تاکسونومی عددی و تحلیل عاملی استفاده شده است و نتایج آن نشان

می‌دهد که سطح توسعه در این مناطق افزایش داشته اما همانند مطالعه پیشین، نتایج حاکی از افزایش دوگانگی و نابرابری توسعه مناطق روستایی استان زنجان است. رضوانی (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای دیگر به بررسی تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی استان زنجان با استفاده از شاخص ناموزون موریس و استفاده از ۲۷ شاخص پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان‌دهنده تفاوت زیاد در سطوح برخورداری دهستان‌های این استان بوده است، به طوری که از مجموع ۴۴ دهستان تنها ۱۱ دهستان به‌طور نسبی توسعه یافته محسوب می‌شده‌اند. مطالعه مذکور نشان می‌دهد که امکانات محیطی، مجاورت و فاصله نزدیک با مراکز شهری، کانون‌ها و محورهای توسعه، محدوده‌های صنعتی و شبکه‌های زیربنایی نقش مؤثری در سطوح برخورداری نواحی روستایی استان داشته است.

قرخلو و حبیبی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای پدیده مهاجرت را با استفاده از روش تاکسونومی عددی و ترکیب ۴۰ متغیر - که پاره‌ای از شاخص‌های بازار کار را نیز در برمی‌گیرد - طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ در خصوص سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سطوح توسعه یافتگی بخشی در هر استان متفاوت است و همبستگی معکوس میان توسعه و مهاجرت وجود دارد. در مطالعه بدری و همکاران (۱۳۸۵) سطح توسعه مناطق روستایی شهرستان کامیاران (در استان کردستان) اندازه‌گیری شده است. در این مقاله با استفاده از ۳۴ متغیر و مدل موریس نشان داده شده است که ضریب توسعه یافتگی در بین دهستان‌های مورد مطالعه متفاوت و نابرابر است و برخی از نواحی روستایی این شهرستان از نظر برخورداری از امکانات و خدمات در تنگنا قرار دارند. افزون بر مطالعات مذکور، مطالعات پوراحمد و همکاران (۱۳۸۱)، جمعه‌پور (۱۳۸۴)، قاسمی اردهایی (۱۳۸۵)، جمعه‌پور (۱۳۸۶)، نوری زمان‌آبادی و امینی فسخودی (۱۳۸۶) از دیگر مطالعات انجام‌شده در این زمینه به شمار می‌آیند. در مجموع، بیشتر این مطالعات نشان می‌دهند که توسعه مفهومی است که به شدت تحت تأثیر مکان قرار دارد و به‌ویژه تمایز عمده‌ای میان مناطق روستایی و مناطق شهری به چشم می‌خورد. باید توجه داشت تقریباً تمامی مطالعات انجام‌شده در زمینه توسعه روستایی مقوله توسعه بازار کار را تنها جزئی از توسعه کلی برمی‌شمارند، و این بازار را به صورت مستقل مطالعه

نکرده‌اند. بر این اساس، در پژوهش حاضر کوشش شده است تا توسعه بازار کار در مناطق روستایی استان‌های کشور به عنوان موضوعی مستقل مورد بررسی قرار گیرد. برای مقایسه تمایز مناطق روستایی برحسب سطح توسعه بازار کار، نخست لازم است تا شاخص‌های اساسی این بازار شناسایی گردد. در پژوهش‌های توسعه، شاخص‌های عمده بازار کار عموماً در بخش شاخص‌های نیروی انسانی در نظر گرفته می‌شوند و به عنوان شاخص توسعه مستقل بررسی نمی‌شوند. سازمان بین‌المللی کار^۱ در گزارش‌های جهانی، شاخص‌های اصلی این بازار را در گروه‌های مشارکت در دنیای کار، وضعیت اشتغال، بیکاری، اشتغال ناقص و عدم فعالیت، آموزش، دستمزدها و هزینه‌های نیروی کار، بهره‌وری، کشش‌های اشتغال، درآمد، رفاه و فقر دسته‌بندی کرده است. اگرچه در اغلب کشورها برای بررسی وضعیت بازار کار تنها از شاخص نرخ بیکاری استفاده می‌شود، اما مطالعه حاضر با انتخاب مهم‌ترین شاخص‌های این بازار - که مرکز آمار ایران آنها را گردآوری کرده - توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها را در سال‌های برنامه چهارم توسعه با روش‌های تحلیل چندمتغیره محاسبه کرده است.

شاخص‌های بازار کار و مشکلات آنها

نخستین مرحله برای بررسی و تحلیل توسعه‌یافتگی بازار کار، شناسایی شاخص‌هایی است که بتوانند کیفیت بازار کار را نشان دهند. در ایران، اگرچه مرکز آمار در سال‌های گذشته نیازهای آماری بخش نیروی انسانی در کشور را از طریق طرح‌های سرشماری نفوس و مسکن و طرح‌های نمونه‌گیری وزارت کار و امور اجتماعی برطرف می‌ساخت، اما از آنجا که هدف اصلی طرح‌های مذکور دستیابی به شاخص‌های نیروی کار نیست و فاصله زمانی ده‌ساله بین اجرای سرشماری‌ها فاصله‌ای طولانی قلمداد می‌شود، آمار به‌دست آمده نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای برنامه‌ریزی مربوط به نیروی کار باشد. از این رو، از سال ۱۳۷۳ طرح‌های متعددی برای

1 . International Labour Organization (ILO)

آمارگیری از نیروی کار و شاخص‌های بیکاری و اشتغال در سطح کشور به اجرا درآمده است. با افزایش نیاز برنامه‌ریزان و پژوهشگران کشور به شاخص‌های نیروی کار، از سال ۱۳۸۴ طرح آمارگیری از نیروی کار به صورت سالیانه و فصلی برای کل کشور و نیز استان‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی آغاز گردیده است. در این پژوهش داده‌های پنج سال برنامه چهارم توسعه - منتشرشده در گزارش نتایج آمارگیری بازار کار^۱ - برای بررسی سطح توسعه بازار کار در مناطق روستایی ایران مورد استفاده قرار گرفته است. در این گزارش‌ها شاخص‌های عمده بازار کار شامل نرخ مشارکت، نرخ اشتغال، نرخ جمعیت دارای اشتغال ناقص، نرخ بیکاری، نسبت اشتغال، سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص، سهم شاغلان با ساعت کار معمول بیش از ۴۹ ساعت، نرخ مقدار اشتغال ناقص، سهم اشتغال در بخش‌های کشاورزی، صنعت، خدمات، خصوصی و عمومی در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به تفکیک نقاط شهری و روستایی استان‌ها آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، برای بررسی توسعه بازار کار شاخص‌های زیادی وجود دارد که الزاماً وزن‌های یکسانی در محاسبه توسعه بازار کار ندارند و به همین دلیل در بسیاری از کارهای انجام‌شده نظر و سلیقه پژوهشگر در محاسبات دخیل می‌گردد. بنابراین، یافتن روشی مناسب برای وزن‌دهی به شاخص‌ها اهمیت بسیار زیادی دارد. وجود همبستگی شدید بین برخی از شاخص‌های بازار کار موضوع دیگری است که بی‌توجهی به آن می‌تواند نتایج را با تورش مواجه کند. علاوه بر نکات مذکور (وزن شاخص‌ها و همبستگی آنها)، گزارش‌های مرکز آمار تا زمان تحریر این سطور شامل چهار گزارش سالیانه برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ و چهار گزارش فصلی برای سال ۱۳۸۸ بوده است. از این رو برای در نظر گرفتن تمام سال‌های برنامه چهارم توسعه، داده‌های فصلی سال ۱۳۸۸ طبق فرمول‌های محاسباتی مرکز آمار تلفیق گردیده است.

۱. چهار گزارش کامل برای سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۷ و گزارش‌های فصلی سال ۱۳۸۸

مدل‌ها و روش انجام پژوهش

با توجه به مشکل مطرح‌شده در قسمت پیشین (همبستگی شدید بین برخی از شاخص‌های بازار کار)، این مقاله کوشیده است با محاسبه ضرایب همبستگی و حذف شاخص‌هایی با همبستگی بالا و در نتیجه حذف ۹ شاخص از ۱۳ شاخص موجود و نیز تلفیق شاخص‌های چهارگانه انتخابی با روش‌هایی مقبول، سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌های کشور را محاسبه و آنها را با یکدیگر مقایسه کند. برای این منظور روش‌های آماری چندمتغیره طراحی شده است؛ و در این میان روش‌های تحلیل عاملی و برترین پیشنهاد از راه‌حل ایده‌آل از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود.

الف) روش تحلیل عاملی

تحلیل عاملی اصطلاحی کلی برای تعدادی از تکنیک‌های ریاضی و آماری مختلف، اما مرتبط با هم، به منظور تحقیق درباره ماهیت روابط بین متغیرهای یک مجموعه معین است. در واقع تحلیل عاملی، تکنیکی است که کاهش تعداد زیادی از متغیرهای وابسته به یکدیگر را به صورت تعداد کوچک‌تری از ابعاد پنهان امکان‌پذیر می‌سازد. هدف تحلیل عاملی، تشخیص این عامل‌های مشاهده‌ناپذیر بر پایه مجموعه‌ای از متغیرهای مشاهده‌پذیر است. عامل، متغیر جدیدی است که از طریق ترکیب خطی نمره‌های اصلی متغیرهای مشاهده‌شده بر پایه رابطه (۱) برآورد می‌شود؛ که در آن W ها بیانگر ضرایب نمره عاملی و P معرف تعداد متغیرهاست. این عامل‌ها، در اصل، سازه‌های فرضی یا نظری هستند که به تفسیر ثبات و هماهنگی در مجموعه داده‌ها کمک می‌کنند.

$$F_j = \sum W_{ji} X_i = W_{j1} X_1 + W_{j2} X_2 + \dots + W_{jp} X_p \quad \text{رابطه (۱)}$$

برای انتخاب متغیرهای مناسب برای تحلیل عاملی می‌توان از ماتریس همبستگی استفاده کرد. از آنجا که روش تحلیل عاملی بر همبستگی بین متغیرها اما از نوع غیرعلی استوار است،

در استفاده از این روش باید ماتریس همبستگی بین متغیرها نیز محاسبه گردد. معمولاً این گونه ماتریس‌های همبستگی وجود رابطه بین برخی متغیرها و عدم ارتباط آن با برخی دیگر را نشان می‌دهند. لازم به یادآوری است که آماره‌های دیگری نیز وجود دارند که محقق از طریق آنها قادر به تعیین و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. به منظور اطمینان از مناسب بودن داده‌ها به منظور تحلیل عاملی مبنی بر اینکه ماتریس همبستگی‌هایی که پایه تحلیل قرار می‌گیرند در جامعه برابر صفر نیست، باید از آزمون کرویت بارتلت^۱ استفاده کرد. آزمون مذکور این فرضیه را که ماتریس همبستگی‌های مشاهده‌شده متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای ناهمبسته است، می‌آزماید. مرحله بعدی در تحلیل عاملی دوران عاملی است و روش Varimax از مهم‌ترین روش‌های دوران عاملی به شمار می‌آید، و در پژوهش حاضر نیز مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به یادآوری است که در این پژوهش با محاسبه امتیازها و وارد کردن آنها در ترکیب خطی، درجه توسعه بازار کار هر استان محاسبه شده است.

ب) روش برترین پیشنهاد از راه حل ایده آل

در این روش که یونوهوانگ آن را مطرح کرده است، به هر یک از شاخص‌ها با روش‌های گوناگون، وزنی متناسب داده می‌شود. روش «آنتروپی شانن» یکی از مهم‌ترین روش‌های وزن‌دهی به شاخص‌های مورد استفاده بوده که این مطالعه نیز از آن سود جسته است. برای وزن‌دهی شاخص‌ها با استفاده از روش آنتروپی شانن مراحل زیر انجام می‌گیرد:

- تشکیل ماتریس با درجه $m*n$ (مناطق کشور (استان‌ها) و n شاخص‌ها)؛
- محاسبه مجموع هر شاخص و تقسیم هر یک از درایه‌های ماتریس بر آن؛
- تشکیل ماتریس لگاریتم طبیعی مرحله دوم؛
- ضرب ماتریس مراحل دوم و سوم؛

1. Bartlett's test of sphericity

- محاسبه مجموع هر شاخص در ماتریس مرحله چهارم (S_x)؛
- محاسبه مقادیر E و K برای محاسبه درجه اهمیت و وزن شاخص‌ها (d)؛
- استانداردسازی و تلفیق شاخص‌ها با استفاده از روش برترین پیشنهاد از راه‌حل ایده‌آل؛
- تشکیل ماتریس با درجه $m \times n$ (m مناطق کشور و n شاخص‌هاست)؛
- استاندارد کردن ماتریس مرحله اول؛
- ضرب ماتریس مرحله دوم در وزن‌های به دست آمده از روش آنتروپی شانن؛
- محاسبه راه‌حل ایده‌آل مثبت و منفی^۲؛ و
- تعیین نزدیکی نسبی هر گزینه به پاسخ ایده‌آل^۳.

برای رتبه‌بندی کافی است تا فاصله نسبی هر گزینه به ترتیب بزرگ به کوچک مرتب شود. در این حالت گزینه‌ای که بزرگ‌ترین فاصله نسبی را از دیگر گزینه‌ها داشته باشد، بالاترین رتبه را به خود اختصاص خواهد داد.

۱. مقادیر E و K، درجه اهمیت و وزن‌ها از طریق فرمول‌های زیر قابل محاسبه است:

$$E_j = -\frac{K}{S_{x_j}} \quad K = 1/\ln(m)$$

$$d_j = 1 - E_j \quad W_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^n d_j} \quad \sum_{j=1}^n W_j = 1$$

۲. محاسبه راه‌حل ایده‌آل مثبت و منفی از طریق فرمول‌های زیر امکان‌پذیر است:

$$\text{ایده‌آل مثبت} \quad D_{i+} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2} \quad \text{و} \quad i = 1, 2, 3, \dots, m$$

$$\text{ایده‌آل منفی} \quad D_{i-} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2} \quad \text{و} \quad i = 1, 2, 3, \dots, m$$

۳. محاسبه تعیین نزدیکی نسبی هر گزینه به پاسخ ایده‌آل از طریق فرمول‌های زیر امکان‌پذیر است:

$$CL_i^+ = \frac{D_{i-}}{D_{i-} + D_{i+}} \rightarrow i = 1, 2, \dots, m, \quad 0 \leq CL_i^+ \leq 1$$

تعیین سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره گردید، هدف اصلی این مقاله تعیین سطح توسعه بازار کار جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر مناطق روستایی استان‌ها بوده و برای این منظور نخست ضرایب همبستگی شاخص‌ها محاسبه گردیده و شاخص‌هایی با کمترین ضریب همبستگی و هم‌پوشانی انتخاب شده است. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: نرخ بیکاری (نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال)، سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص (نسبت جمعیت دارای اشتغال ناقص^۱ به جمعیت شاغل)، سهم اشتغال در بخش صنعت و سهم اشتغال در بخش خصوصی^۲. به عنوان نمونه، ضرایب همبستگی بین شاخص‌های انتخاب‌شده در سال ۱۳۸۸ در جدول ۱ نشان داده شده است. لازم به یادآوری است که انتخاب سهم اشتغال در بخش صنعت به عنوان شاخص توسعه بازار کار مناطق روستایی در مقایسه با این سهم در بخش کشاورزی به این دلیل است که در جریان توسعه، از سهم اشتغال بخش کشاورزی (و نه الزاماً تولید آن) کاسته می‌شود. علاوه بر آن، با توجه به اینکه اشتغال در بخش صنعت شامل اشتغال در صنایع تبدیلی و تکمیلی - که تکمیل‌کننده فعالیت‌های بخش کشاورزی و دامداری است - نیز می‌گردد، در این مطالعه شاخص اشتغال در بخش صنعت به شاخص اشتغال در بخش کشاورزی ترجیح داده شده است.

۱. افراد دارای اشتغال ناقص زمانی شامل تمام شاغلانی است که در هفته مرجع، حاضر در سر کار یا غایب موقت از محل کار باشند، به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیرکاری و مانند اینها کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده باشند، خواهان و آماده برای انجام کار اضافی در هفته مرجع بوده‌اند. با توجه به این تعریف، مقدار اشتغال ناقص، مجموع ساعت کار اضافی‌ای است که افراد دارای اشتغال ناقص زمانی تمایل به انجام آن دارند (تا سقف ۴۴ ساعت).

۲. اگرچه لازم است شاخص‌های ارزیابی بازار کار به گونه‌ای انتخاب گردد که بتوانند تنوع روستاها را از نظر جغرافیایی و اقتصادی پوشش دهند، اما دستیابی به چنین شاخص‌هایی در اقتصاد ایران عملاً ممکن نیست. از این رو شاخص‌های انتخاب‌شده در این بخش برای تمامی مناطق روستایی استان‌ها به کار گرفته شده است.

جدول ۱. ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای انتخابی (سال ۱۳۸۸)

سهم اشتغال بخش صنعت	سهم جمعیت با اشتغال ناقص	سهم اشتغال بخش خصوصی	نرخ بیکاری	
۰/۲۱۱	۰/۱۲۳	-۰/۳۹۶	۱	نرخ بیکاری
-۰/۴۳۱	۰/۲۲۴	۱	-۰/۳۹۶	سهم اشتغال بخش خصوصی
۰/۰۱۴	۱	۰/۲۲۴	۰/۱۲۳	سهم جمعیت با اشتغال ناقص
۱	۰/۰۱۴	-۰/۴۳۱	۰/۲۱۱	سهم اشتغال بخش صنعت

منبع: محاسبات پژوهشگران

نظریات متعددی دخالت دولت در امور توسعه روستاها را برای افزایش سطح رفاه لازم می‌داند. اما در مقابل، مطالعاتی نیز همچون مطالعه مؤمنی و همکاران (۱۳۸۹) حضور دولت در این مناطق را باعث کاهش بهره‌وری نیروی کار برمی‌شمرند، از این رو، در مطالعه حاضر افزایش سهم بخش خصوصی در بازار کار روستایی - به عنوان شاخص توسعه بازار کار - به افزایش سهم بخش دولتی ترجیح داده شده و برای ترکیب داده‌ها نیز از دو روش تحلیل عاملی و برترین پیشنهاد از راه‌حل ایده‌آل استفاده گردیده است. لازم به یادآوری است که دو شاخص نرخ بیکاری و سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص در روش برترین پیشنهاد از راه‌حل ایده‌آل به صورت معکوس وارد مدل شده‌اند.

الف) سطح توسعه مناطق روستایی با روش تحلیل عاملی

سطح توسعه مناطق روستایی استان‌ها با روش تحلیل عاملی در جدول ۲ منعکس شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بر اساس نتایج این روش، استان‌های چهارمحال و بختیاری و تهران دارای بالاترین سطح توسعه و استان‌های اردبیل و آذربایجان غربی کمترین سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی را دارا بوده‌اند. سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی در سال‌های ابتدایی و پایانی برنامه چهارم توسعه در شکل ۱ نشان داده شده است. مقایسه سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ نشان‌دهنده افزایش آن در تمامی استان‌ها بوده و در این میان سه استان سیستان و بلوچستان، همدان و قزوین بیشترین افزایش را در این زمینه داشته‌اند.

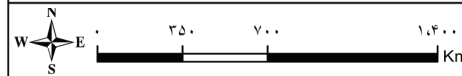
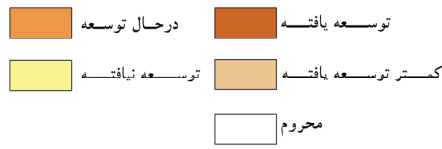
جدول ۲. ضریب توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها با روش تحلیل عاملی

نام استان	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
آذربایجان شرقی	-۷۲/۱۳۷	-۵۸/۲۳۴	-۳۱/۹۱۰	-۶۸/۱۴۱	-۶۱/۰۸۵
آذربایجان غربی	-۷۶/۴۶۷	-۶۲/۷۶۴	-۳۹/۳۸۱	-۷۳/۸۱۶	-۶۷/۰۸۹
اردبیل	-۷۶/۱۲	-۶۳/۷۵۴	-۴۰/۶۰۲	-۷۵/۷۰۸	-۷۱/۲۴۹
اصفهان	-۵۳/۱۶۳	-۴۱/۹۲۷	-۲۱/۲۶۵	-۵۶/۹۷۸	-۵۲/۹۶۹
ایلام	-۷۱/۹۳۰	-۶۱/۹۶۵	-۳۴/۹۷۷	-۷۱/۳۰۴	-۶۳/۳۸۷
بوشهر	-۵۱/۸۹۹	-۴۳/۹۲۶	-۲۱/۳۸۸	-۵۵/۵۳۴	-۴۶/۴۲۲
تهران	-۴۴/۳۹۴	-۳۷/۵۰۳	-۱۶/۹۳۳	-۴۱/۷۶۱	-۳۵/۴۳۳
چهارمحال و بختیاری	-۴۸/۷۰۵	-۳۲/۳۱۱	-۷/۵۴۳	-۴۴/۱۲۸	-۳۸/۲۲۳
خراسان جنوبی	-۶۲/۷۹۲	-۵۲/۷۸۴	-۱۸/۰۶۷	-۶۲/۶۰۲	-۵۸/۴۸۲
خراسان رضوی	-۷۳/۱۳۱	-۵۷/۷۱۷	-۳۶/۵۵۴	-۷۰/۹۲۱	-۶۵/۵۳۰
خراسان شمالی	-۷۰/۸۴۹	-۵۸/۰۱۸	-۳۰/۴۵۶	-۶۹/۶۸۳	-۶۷/۷۲۰
خوزستان	-۵۴/۴۶۵	-۴۴/۰۱۰	-۲۶/۹۹۱	-۵۵/۳۸۹	-۴۷/۰۶۲
زنجان	-۷۰/۵۶۹	-۵۹/۳۳۶	-۳۷/۲۶۶	-۶۸/۷۵۹	-۶۵/۶۳۹
سمنان	-۶۲/۴۲۲	-۵۱/۷۱۰	-۲۷/۰۴۲	-۶۳/۷۲۲	-۵۰/۱۸۳
سیستان و بلوچستان	-۵۶/۹۱۸	-۳۵/۲۹۵	-۱۷/۰۵۵	-۴۹/۱۲۶	-۴۰/۸۱۴
فارس	-۶۲/۵۹۱	-۴۹/۵۹۰	-۲۱/۶۶۶	-۵۹/۵۰۴	-۶۱/۳۷۲
قزوین	-۷۰/۹۳۹	-۵۷/۹۹۵	-۳۲/۵۹۳	-۶۷/۰۴	-۵۷/۵۰۸
قم	-۵۶/۷۸۶	-۴۹/۲۶۸	-۲۵/۹۸۴	-۶۳/۰۳۸	-۵۲/۰۳۴
کردستان	-۷۲/۱۱۳	-۶۰/۰۷۱	-۳۵/۹۲۴	-۷۱/۱۲۳	-۶۴/۱۲۶
کرمان	-۶۴/۴۳۳	-۵۴/۴۷۲	-۳۰/۵۳۶	-۷۰/۲۱۴	-۶۳/۸۹۹
کرمانشاه	-۷۰/۷۷۴	-۵۸/۹۹۹	-۳۶/۵۹۱	-۷۰/۷۰۹	-۶۸/۷۲۱
کهگیلویه و بویراحمد	-۵۴/۷۲۰	-۴۴/۸۱۳	-۷/۱۲۲	-۴۹/۱۰۴	-۴۷/۴۴۵
گلستان	-۶۹/۶۲۱	-۵۰/۵۴۹	-۱۴/۸۹۶	-۶۶/۸۲۱	-۵۹/۹۸۷
گیلان	-۶۶/۰۲۷	-۵۸/۵۵۵	-۳۰/۹۵۲	-۶۴/۹۰۸	-۵۸/۴۸۴
لرستان	-۷۰/۷۴۷	-۵۵/۰۵۸	-۲۲/۷۲۲	-۶۵/۹۵۵	-۶۲/۹۸۹
مازندران	-۶۲/۹۲۲	-۵۳/۵۲۰	-۳۰/۶۵۲	-۶۱/۸۱۵	-۵۶/۰۵۶
مرکزی	-۷۰/۰۷۷	-۵۸/۵۹۵	-۲۹/۱۹۲	-۶۶/۵۴۳	-۶۵/۳۷۰
هرمزگان	-۵۴/۷۳۷	-۴۳/۴۵۷	-۱۳/۱۵۷	-۴۸/۳۵۴	-۵۰/۲۰۱
همدان	-۶۸/۴۱۱	-۵۳/۲۸۷	-۲۴/۷۴۰	-۶۸/۴۲۰	-۵۴/۱۲۶
یزد	-۵۸/۶۶۹	-۴۴/۹۶۲	-۲۱/۰۱۰	-۵۱/۸۵۵	-۴۷/۱۶۳

منبع: یافته‌های تحقیق



راهنما: بررسی سطح توسعه یافتگی مناطق روستایی
استان‌های کشور با روش تحلیل عاملی



شکل ۱. ضریب توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها با روش تحلیل عاملی

منبع: یافته‌های تحقیق

ب) سطح توسعه مناطق روستایی با استفاده از روش برترین پیشنهاد از راه‌حل ایده‌آل
 روش دوم این پژوهش، روش برترین پیشنهاد از راه‌حل ایده‌آل است که مزیت آن بر روش تحلیل عاملی، امکان وزن‌دهی به شاخص‌های مورد بررسی است. این مسئله باعث می‌گردد که هر شاخص با توجه به بی‌نظمی هر سال وزن خاصی به خود اختصاص دهد. براین اساس، جدول ۳ وزن شاخص‌های چهارگانه را با استفاده از روش آنترویی نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، وزن شاخص‌ها در سال‌های مختلف متفاوت است. شاخص نرخ بیکاری در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ و شاخص سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص در سه سال دیگر پراهمیت‌ترین شاخص مورد بررسی بوده‌اند. از طرفی شاخص سهم اشتغال در بخش خصوصی در همه سال‌های مورد بررسی کم‌ترین وزن را به خود اختصاص داده است. لازم به یادآوری است که این شاخص به دلیل ماهیت بخش کشاورزی و دامداری در تمام سال‌ها مقدار بسیار بالایی دارد. از طرف دیگر، تغییرات کمی نیز در طول این سال‌ها داشته و به همین دلیل کم‌ترین ضریب پراکندگی را در میان تمامی شاخص‌ها داشته است. این مسئله سبب می‌شود که شاخص سهم شاغلان بخش خصوصی کم‌ترین وزن را در روش آنترویی نشان داشته باشد. نتایج سطح توسعه‌یافتگی بازار کار مناطق روستایی در جدول ۴ و شکل ۲ ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، استان چهارمحال و بختیاری، یزد، سیستان و بلوچستان و تهران در طی دوره، توسعه‌یافته‌ترین استان‌ها از حیث بازار کار مناطق روستایی بوده است و در طیف دیگر، استان‌های اردبیل، کرمانشاه، آذربایجان غربی و ایلام در کمترین سطح قرار داشته‌اند. استان ایلام نیز تنها استانی است که طی پنج سال برنامه توانسته است همواره روندی صعودی را در توسعه بازار کار مناطق روستایی خود داشته باشد.

جدول ۳. وزن شاخص‌های عمده بازار کار با روش وزن‌دهی آنترویی

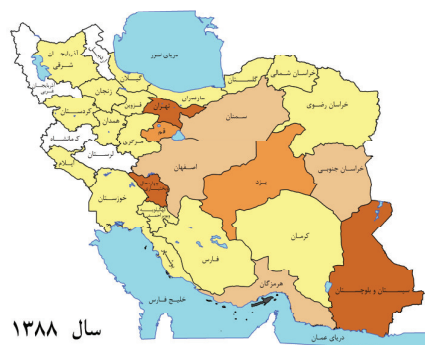
سال	نرخ بیکاری	سهم جمعیت با اشتغال ناقص	سهم اشتغال بخش صنعت	سهم اشتغال بخش خصوصی
۱۳۸۴	۰/۴۸۴	۰/۳۸۴	۰/۱۲۹	۰/۰۰۲
۱۳۸۵	۰/۴۱۹	۰/۴۱۷	۰/۱۶۲	۰/۰۰۲
۱۳۸۶	۰/۳۳۳	۰/۴۳۵	۰/۲۲۸	۰/۰۰۴
۱۳۸۷	۰/۳۶۹	۰/۴۰۵	۰/۲۲۳	۰/۰۰۴
۱۳۸۸	۰/۳۶۹	۰/۴۰۴	۰/۲۱۹	۰/۰۰۸

منبع: یافته‌های محقق

جدول ۴. ضریب توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها با روش برترین پیشنهاد از راه‌حل ایده‌آل در برنامه چهارم توسعه

نام استان	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
آذربایجان شرقی	۰/۴۲۱	۰/۳۴۷	۰/۳۶۵	۰/۲۷۲	۰/۳۷۲
آذربایجان غربی	۰/۱۵۱	۰/۱۲۳	۰/۰۹۷	۰/۱۰۵	۰/۱۶۸
اردبیل	۰/۰۹۰	۰/۰۸۱	۰/۰۴۶	۰/۰۴۶	۰/۰۷۳
اصفهان	۰/۷۰۶	۰/۵۰۴	۰/۴۴۵	۰/۳۰۸	۰/۴۸۹
ایلام	۰/۰۶۳	۰/۰۷۹	۰/۰۸۳	۰/۰۸۵	۰/۲۱۴
بوشهر	۰/۴۰۳	۰/۲۶۱	۰/۳۱۷	۰/۱۷۸	۰/۳۱۳
تهران	۰/۷۳۲	۰/۵۰۲	۰/۵۵۱	۰/۵۶۹	۰/۸۱۷
چهارمحال و بختیاری	۰/۸۳۱	۰/۷۳۰	۰/۹۵۶	۰/۹۵۸	۰/۹۶۲
خراسان جنوبی	۰/۵۱۵	۰/۳۰۱	۰/۳۹۸	۰/۳۸۰	۰/۴۶۳
خراسان رضوی	۰/۲۷۸	۰/۲۴۶	۰/۱۸۱	۰/۲۱۸	۰/۲۲۲
خراسان شمالی	۰/۳۶۲	۰/۲۵۴	۰/۲۳۲	۰/۲۸۹	۰/۲۵۲
خوزستان	۰/۳۹۸	۰/۳۲۴	۰/۲۵۰	۰/۲۸۷	۰/۳۵۱
زنجان	۰/۳۸۱	۰/۲۵۶	۰/۲۴۱	۰/۲۲۵	۰/۲۴۱
سمنان	۰/۳۶۵	۰/۲۶۳	۰/۳۲۲	۰/۲۷۰	۰/۵۵۴
سیستان و بلوچستان	۰/۷۰۸	۰/۸۹۸	۰/۸۴۱	۰/۴۳۸	۰/۹۴۰
فارس	۰/۳۲۹	۰/۲۳۹	۰/۲۶۱	۰/۲۴۶	۰/۲۱۷
قزوین	۰/۲۴۲	۰/۱۸۱	۰/۲۱۰	۰/۲۱۳	۰/۳۶۴
قم	۰/۲۹۳	۰/۲۹۹	۰/۲۴۴	۰/۲۷۷	۰/۶۳۲
کردستان	۰/۳۱۰	۰/۱۹۱	۰/۱۸۴	۰/۱۴۲	۰/۲۲۱
کرمان	۰/۳۰۳	۰/۱۹۲	۰/۱۷۷	۰/۱۴۶	۰/۲۰۵
کرمانشاه	۰/۱۴۹	۰/۰۲۰	۰/۰۶۵	۰/۱۲۵	۰/۱۰۹
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۳۵۲	۰/۲۶۳	۰/۳۹۵	۰/۳۷۰	۰/۳۴۸
گلستان	۰/۲۶۳	۰/۲۴۶	۰/۲۸۶	۰/۲۶۶	۰/۳۳۲
گیلان	۰/۲۱۷	۰/۱۲۴	۰/۱۴۱	۰/۱۳۷	۰/۲۱۵
لرستان	۰/۲۵۰	۰/۱۹۱	۰/۲۱۱	۰/۲۲۸	۰/۱۸۳
مازندران	۰/۳۳۹	۰/۲۴۳	۰/۲۴۷	۰/۲۷۰	۰/۳۴۴
مرکزی	۰/۳۱۷	۰/۱۸۶	۰/۲۵۰	۰/۲۰۷	۰/۲۳۶
هرمزگان	۰/۵۰۵	۰/۳۶۲	۰/۳۷۹	۰/۴۵۸	۰/۴۶۸
همدان	۰/۳۳۷	۰/۲۱۷	۰/۲۴۳	۰/۲۰۸	۰/۳۰۹
یزد	۰/۷۳۶	۰/۵۶۳	۰/۶۱۴	۰/۴۹۷	۰/۶۲۸

منبع: یافته‌های تحقیق



شکل ۲. توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌ها با روش برترین پیشنهاد از راه‌حل ایده‌آل
منبع: یافته‌های تحقیق

مقایسه سطح توسعه بازار کار در سال‌های نخست و پایانی برنامه چهارم در این روش، برخلاف روش تحلیل عاملی، نشان می‌دهد که سطح توسعه بازار کار اکثر مناطق روستایی استان‌ها در سال پایانی در مقایسه با سال نخست کاهش یافته و تنها سطح توسعه بازار کار ۹ استان (مانند قم، سیستان و بلوچستان و سمنان) افزایش داشته است. سطح توسعه بازار کار برخی مناطق روستایی (مانند استان مازندران) تغییر چندانی نداشته است. البته باید توجه داشت که کاهش صورت‌گرفته در سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی استان‌های کشور بسیار اندک و اغلب کمتر از ۱۰ درصد بوده، به طوری که استان اصفهان با تغییر حدود ۲۲ درصد در سطح توسعه بالاترین تغییر را در این زمینه داشته است. از سوی دیگر تغییرات سطح توسعه صورت‌گرفته در جهت بهبود میانگین بالاتری داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

در میان بازارهای اقتصادی، بازار کار عمده‌ترین بازاری است که با توجه به آن می‌توان اوضاع اقتصادی هر منطقه را مورد تحلیل قرار داد. به عبارتی، بازار کار و سطح توسعه آن نمودی از سطح توسعه دیگر بازارها و تداعی‌کننده وضعیت اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی هر منطقه است. به عنوان مثال، وضعیت بازار کار را می‌توان از عمده‌ترین دلایل مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری برشمرد، به همین دلیل شناخت و ارزیابی آن اهمیتی اساسی دارد. با این همه، مطالعات موجود نشان‌دهنده آن است که تبیین و ارزیابی بازار کار مناطق روستایی استان‌ها چندان مورد توجه قرار نگرفته است و از این رو این مقاله کوشیده تا با به‌کارگیری شاخص‌های نرخ بیکاری، سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص، سهم اشتغال در بخش صنعت و سهم اشتغال در بخش خصوصی و روش‌های تحلیل عاملی و برترین پیشنهاد از راه‌حل ایده‌آل برای تلفیق آنها، سطح توسعه آن را در دوره برنامه چهارم توسعه با یکدیگر مقایسه کند. اگرچه نتایج به دست آمده از هر دو روش تا حدود زیادی به یکدیگر شباهت داشتند و به عنوان مثال، استان‌های دارای رتبه‌های اول و آخر از نظر سطح توسعه بازار کار در هر دو روش مشترک است، اما با توجه به مزیت روش برترین پیشنهاد از راه‌حل ایده‌آل به دلیل توانایی در وزن‌دهی به شاخص‌ها، نتایج این

روش مقبولیت بیشتری دارد. با تأکید بر نتایج به دست آمده از این روش و هم‌سو با یافته‌های پیشین از جمله اسلامی (۱۳۷۲)، اشتری (۱۳۷۳) و مرسلی (۱۳۷۴)، نتایج این مطالعه نیز نشان می‌دهد که سطح توسعه بازار کار مناطق روستایی اکثر استان‌ها در سال آخر برنامه چهارم در مقایسه با سال آغاز آن باوجود افزایش اندک، بهبود چندانی نیافته است. بدین ترتیب نمی‌توان بهبود اوضاع اقتصادی و نیز بهبود وضعیت اجتماعی و فرهنگی را در مرحله نخست در مناطق روستایی انتظار داشت. تأثیر این موضوع خود می‌تواند در مرحله بعدی و به اشکال مختلف (که مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری از عمده‌ترین آنها برشمرده می‌شود) به مناطق شهری نیز منتقل گردد. بر این اساس و در مجموع، توجه به بازار کار مناطق روستایی و تلاش در کاهش تمایزات منطقه‌ای از این حیث و از هر جهت ضروری است.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی، ۱۳۸۵، مهاجرت و شهرنشینی: علل و پیامدها، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۲۳۳، صص. ۱۵۷-۱۸۱.
- ابراهیم‌زاده، عیسی و همکاران، ۱۳۸۹، نقش مهاجرت‌های روستایی در اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: متروپل اهواز)، پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، صص. ۱۶۶-۱۹۱.
- اشتری، حمید، ۱۳۷۳، تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق استان آذربایجان غربی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- پورخرمدند، رضا، ۱۳۸۳، اندازه‌گیری کار شایسته با استفاده از شاخص‌های آماری، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، تهران.
- جمعه‌پور، محمود، ۱۳۸۶، رابطه بین سطح توسعه یافتگی روستاهای استان تهران و مهاجرت به شهر تهران، فصلنامه روستا و توسعه، ۳، ص ۱۰.
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۴، تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی استان زنجان، پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۶، ۱، صص. ۷۵-۸۶.

رضوانی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۰، سنجش درجه روستاگرایی با استفاده از مدل تاپسیس فازی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان مرکزی شهرستان خدابنده)، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، ۱، صص. ۳۱-۱.

سبحانی، حسن، ۱۳۸۷، اقتصاد کار و نیروی انسانی، انتشارات سمت، تهران.

طاهرخانی، مهدی، ۱۳۸۰، تحلیلی بر عوامل موثر در مهاجرت‌های روستا-شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۶۲، صص. ۹۳-۶۷.

قره‌باغیان، مرتضی، ۱۳۷۲، اقتصاد رشد و توسعه، نشر نی، تهران.

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، نتایج آمارگیری نیروی کار، ۱۳۸۴.

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶، نتایج آمارگیری نیروی کار ۱۳۸۵.

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷، نتایج آمارگیری نیروی کار ۱۳۸۶.

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، نتایج آمارگیری نیروی کار ۱۳۸۷.

مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، نتایج فصلی آمارگیری نیروی کار ۱۳۸۸.

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴، نماگرهای کار شایسته در ایران، پژوهشکده آمار، تهران.

مؤمنی، فرشاد و همکاران، ۱۳۸۹، بررسی عوامل تعیین‌کننده رشد بهره‌وری و فقر در مناطق روستایی ایران، پژوهش‌های روستایی، ۱، صص. ۱۲۰-۹۹.

ویچرن، جانسون، ۱۳۷۸، تحلیل آماری چندمتغیره کاربردی، ترجمه: ح. نیرومند، دانشگاه فردوسی مشهد.

Bosanquet, Nicholas, Doeringer, Peter B., 1973, **Is There a Dual Labour Market in Great Britain?**, The Economic Journal, Vol. 83, No. 330, PP. 421-435.

Brau, Alan de, Huang, Jikun, 2002, **The Evolution of China's Rural Labor Markets During the Reforms**, Journal of Comparative Economics, No. 30, PP. 329-353.

Hertel, Thomas, Zhai, Fan, 2006, **Labor Market Distortions, Rural-Urban Inequality and the Opening of China's Economy**, Economic Modelling, No. 23, PP. 76– 109.

Key Indicators of Labor Market International Labor Organization.

Laszlo, Sonia, 2008, **Education, Labor Supply and Market Development in Rural Peru**, World Development, Vol. 36, No. 11, PP. 2421–2439.

Mirta, Sophie, Sambamoorthi, Usha, 2008, **Disability and the Rural Labor Market in India: Evidence for Males in Tamil Nadu**, World Development, Vol. 36, No. 5, PP. 934–952.

Saint-Paul, Gilles, 1996, **Employment Protection, International Specialization, and Innovation**, CEPR Discussion Papers 1338, C.E.P.R. Discussion Papers.

Shioji, Etsuro, 2001, **Composition Effect of Migration and Regional Growth in Japan**, Journal of the Japanese and International Economies, 15, PP. 29-49.

The World Bank, 2009, **World Development Indicators 2009**, Washington D.C. USA.

Zhang, Linxiu, 2004, **China's Rural Labor Market Development and its Gender Implications**, China Economic Review, No. 15, PP. 230–247.